

## انتظارات از دولت چهاردهم با رویکرد توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر

### انرژی‌های تجدیدپذیر می‌توانند!

مدیرکل برنامه‌ریزی راهبردی و عملیاتی ساتبا با بیان اینکه یکی از راه‌حل‌های اصلی رفع ناترازی انرژی در ایران، توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر است، به رشد ۴۰ درصدی ظرفیت این نیروگاه‌ها طی دو سال اخیر اشاره کرد و نوشت: «با توجه به زیرساخت‌های مناسبی که طی ۲ سال اخیر از حیث قانونی، تنوع مدل‌های سیاستی و مسیرسازی ایجاد شده، انتظارات از توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران، یک جهش خوب طی دو تا پنج سال آینده است.» این موضوع، در عین نویدبخش بودن گذار کم‌سابقه ایران در بین کشورهای دنیا به سمت منابع و مولدهای تجدیدپذیر، نیاز مبرم ساختاری، بویژه در آرکان صنعت برق را آشکار می‌سازد. در واقع، در تغییر ریل‌گذاری تولید برق کشور به سمت مولدهای تجدیدپذیر و به عنوان یک نمونه، مدیریت احداث ۶۷۵ نیروگاه به مجموع ظرفیت ۱۲۶۶۴ مگاوات، باید همه ارکان کشور، بویژه صنعت برق، در تمام مراحل همراه و هماهنگ با سیاست‌گذاری نوین این عرصه قرار گیرند.

متن یادداشت دکتر مسعود رضائی، مدیرکل برنامه‌ریزی راهبردی و عملیاتی سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا) با ارائه تحلیلی از شرایط انرژی کشور با عنوان «مطالبات از دولت چهاردهم در حوزه انرژی، با رویکرد توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر» را در ادامه می‌خوانید:

حوزه انرژی دارای دو ویژگی بسیار مهم است که یکی از آنها مختصات ذاتی این بخش (Sector) محسوب می‌شود و دیگری مختص کشور ماست. ویژگی مد نظر از حیث ذاتی، «لختی» (Inertia) بسیار بالای حوزه انرژی است، به گونه‌ای که اتفاقات و نقائص کوچک، موجب آسیب جدی یا کوتاه‌مدتی به آن نمی‌شود. به عبارتی، اگر صنعت برق یا نفت و گاز، با سوء مدیریت یا کمبود اعتبار، طی یکی دو سال مواجه شوند، نتایج پدیدآمده در کوتاه‌مدت قابل مشاهده و ملموس نیست. اگر عدم حساسیت بالای این بخش در برابر کمبودها و کم‌توجهی‌ها را به عنوان حسن این بخش در نظر بگیریم، «تهدید» آن نیز در همین نکته نهفته است؛ بدین ترتیب که چنانچه زمانی بخواهیم «نقائص انباشت‌شده» را مرتفع نماییم، دیگر امکان احیاء و ترمیم سریع و مثلاً یک‌ساله آنها وجود ندارد. مثلاً در حوزه برق، اکنون با ناترازی تولید و مصرف بیش از ۱۴,۰۰۰ مگاوات مواجه هستیم که حاصل مشکلاتی در طی دوره حدوداً ۲۰ ساله است. حال، چنانچه بخواهیم از این ناترازی خلاص شویم، حتی اگر منابع مالی و فناوریانه وافر و نامحدودی هم در اختیار داشته باشیم، امکان حل کامل مساله، طی کمتر از ۶ سال وجود ندارد!

مطابق نظر اغلب خبرگان حوزه انرژی، دو مشکل ریشه‌ای در صنعت برق، سبب ناترازی بیش از ۱۴,۰۰۰ مگاوات بین ظرفیت تولید و میزان مصرف شده است: «ناترازی اقتصادی بین هزینه تمام‌شده برق و قیمت عرضه آن» و «ساختار حکمرانی، عملیاتی و گردش مالی صنعت برق». در خصوص مشکل اول صحبت‌های زیادی مطرح شده و راه‌حل‌های مختلفی مانند «حرکت اعطای یارانه به سمت انتهای زنجیره تولید تا مصرف» و یا «قیمت‌گذاری‌های پلکانی تعرفه‌ها» نیز برای آن عرضه و تا حدی پیاده شده است. این راه‌حل‌ها باید در دولت چهاردهم نیز پیگیری و تکمیل شوند و یا صحیح‌تر آن است که بگوییم، به تدریج به سمت صلاح حرکت کنند؛ چراکه امکان جراحی دفعی این موضوع به دلیل تبعات اجتماعی آن وجود ندارد.

در خصوص علت یا مشکل دوم، یعنی «ساختار صنعت برق»، ایراد اساسی در چپش سنتی و قدیمی بازیگران دولتی این حوزه است. از جمله آنکه، سرچشمه مسائل مالی صنعت برق به گونه‌ای طراحی شده است که توازن را برای بخش‌های حاکمیتی تولید برق حرارتی و یا تجدیدپذیر و حتی ستاد وزارت نیرو، از بین برده است. رفع مشکل دوم، یکی از مقدمه‌های حل مشکل اول و برخی از مسائل کوچک‌تر صنعت برق نیز خواهد بود و مستلزم بازآرایی ساختار اداری و گردش مالی صنعت برق و ایجاد توازن در بازیگران راهبردی آن در زیرمجموعه وزارت نیرو می‌باشد.

از مجموع معضلات یادشده، حداقل نتیجه آن است که صنعت برق، نیازمند یک «وزیر اجرایی و راهبردی توأمان» است که از یک سو با تمرکز بر راه‌حل‌های کوتاه‌مدت مانند «مدیریت مصرف»، احساس و بروز مشکلات را در چند سال آتی به حداقل برساند و از سوی دیگر، با «رویکرد راهبردی و بلندمدت»، به فکر علاج اساسی در «ساختار» و «اقتصاد» صنعت برق باشد.

ویژگی دوم حوزه انرژی که مختص کشور ما (یا عمده کشورهای دارای منابع فسیلی) است، «نقش انرژی به عنوان مزیت رقابتی (Core Competency) کشورهای دارای منابع فسیلی در دوره معاصر» می‌باشد. چنانچه امروزه اغلب ایرانیان آگاهند، از حیث مجموع منابع فسیلی نفت و گاز، ایران نخستین کشور دنیاست؛ منابع قابل اتکایی که تا زمانی که وجود دارند، باید محور همه راهبردهای اقتصادی و در بسیاری از موارد، راهبردهای سیاسی، دفاعی و اجتماعی قرار گیرند (Resource Based Strategy). اما متأسفانه در گذر تاریخی کشورمان مشاهده می‌کنیم که در بسیاری از دوره‌ها، بجای آنکه سایر حوزه‌ها بر اساس بخش انرژی بازتنظیم و هماهنگ شوند، حوزه انرژی خود را با مشکلات دیگر کشور، هماهنگ و تاثیرپذیر نموده و این موضوع سبب صدمه بسیار زیاد به بخش انرژی، با پدیدار شدن بی‌برنامگی و عدم استفاده شایسته از منابع شده است. مجموعه کم‌توجهی‌ها و بی‌برنامه‌گی‌های حاصل از رویکردهای نادرست، ما را به ناترازی‌های مژمن سال‌های اخیر در سوخت و برق کشانده است. یک مثال ساده این موضوع آن است که «شورای عالی انرژی» به عنوان عالی‌ترین سطح تصمیم‌گیری‌های کلان حوزه انرژی ایران در راستای هماهنگی بازیگران و استراتژی‌های ملی (آنهم در کشوری که انرژی اصلی‌ترین منبع مادی بالفعل و بالقوه آن است) تا سال‌ها شکل منسجم و درخوری نداشته است. البته خوشبختانه تشکیل جلساتی از این شورا در دولت سیزدهم که ناشی از مشکلات عدیده صنایع نفت، گاز و برق بود، منجر به تحرکات و هماهنگی‌هایی در راهبری انرژی کشور شد و به عنوان حداقل اقدام، لازم است در دولت چهاردهم نیز تداوم یافته و به تشکیل و انسجام آن توجه جدی مبذول شود.

بدون تردید، یکی از راهبردهایی که موجب سامان‌دهی به مسائل عدیده بخش انرژی کشور، بویژه از حیث کمبود منابع تولید می‌شود، پرداختن به انرژی‌های تجدیدپذیر است. کشور ما در کنار منابع فسیلی، منابع تجدیدشونده و آفری مانند خورشید و باد را در اختیار دارد. از دیگر سو، فناوری‌های استحصال برق از منابع تجدیدپذیر طی سال‌های اخیر رقابتی شده‌اند و طی ۳ سال اخیر، حتی برای کشورهایی مانند ایران که سوخت‌های فسیلی در دسترس و رایگان را در اختیار دارند نیز، ارزان‌ترین گزینه محسوب می‌شوند. در عین حال، توسعه این انرژی‌ها نیاز به حمایت و درایت دولت از لحاظ تغییر ریل‌گذاری (Paradigm Shift) سیاست‌گذاری‌های صنعتی، فناوری، تامین مالی و ... دارد. پرداختن به این موضوع، به دلیل وجود نقش‌آفرینان جاافتاده و سنتی در روش‌های مرسوم تولید برق حرارتی، مقاومت‌هایی را نیز در سر راه این تغییر ریل‌گذاری ایجاد کرده و می‌کند. برای عبور از این

مقاومت‌ها، «تشکیل منظم شورای عالی انرژی با حضور شخص ریاست جمهور» و «معرفی وزرای نفت و نیروی آگاه، راهبردی، شجاع و البته پرتلاش»، می‌تواند راهگشای اصلی در سطح قوه مجریه باشد.

خوشبختانه در زمینه توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، تحولات بسیار خوبی در دولت سیزدهم آغاز شده است. «هدف‌گذاری ایجاد ظرفیت ۳۰,۰۰۰ مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر تا پایان برنامه هفتم توسعه»، چشم‌انداز روشن این عرصه را نشان می‌دهد. «افزایش ظرفیت نیروگاه‌های بهره‌برداری‌رسیده تجدیدپذیر به حدود ۱۲۰۰ مگاوات» (۴۰٪ افزایش طی حدود ۲ سال) و «در حال نصب‌بودن ظرفیت ۱۲۶۶۴,۴ مگاوات نیروگاه در ۶۷۵ ساختگاه در سرتاسر پهنه گسترده ایران»، نشان از تلاش بسیار زیاد به منظور تغییر این ریل‌گذاری بوده است. نکته بسیار جالب و کم‌سابقه، تدوین بیش از ۱۰ مدل سیاستی برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر است که مخاطب و ذی‌نفع همگی آنها بخش‌های خصوصی هستند: از مستمری‌بگیران کمیته امداد تا سرمایه‌گذاران بزرگ داخلی و خارجی.

در این مسیر، امید و بیم توأمانی حس می‌شود که شایسته توجه دولت جدید جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به زیرساخت‌های خوبی که طی ۲ سال اخیر از حیث قانونی، تنوع مدل و مسیرسازی توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشورمان ایجاد شده، انتظارات از توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، یک جهش خوب طی دو تا پنج سال آینده است. این موضوع، در عین نویدبخش‌بودن گذار کم‌سابقه ایران در بین کشورهای دنیا به سمت منابع و مولدهای تجدیدپذیر، نیاز مبرم ساختاری، بویژه در آرکان داخلی صنعت برق را آشکار ساخته و هشدار می‌دهد. در واقع، در تغییر ریل‌گذاری تولید برق کشور به سمت مولدهای تجدیدپذیر و به عنوان یک نمونه، مدیریت احداث ۶۷۵ نیروگاه به مجموع ظرفیت ۱۲۶۶۴ مگاوات، یک سازمان در قواره فعلی کفایت نمی‌کند و باید همه ارکان کشور، بویژه صنعت برق، در تمام مراحل همراه و هماهنگ با سیاست‌گذاری نوین این عرصه قرار گیرند.

نکته مهم دیگر، «ثبات مدل‌های سیاستی تدوین‌شده»، «صیانت از قراردادها و تعهدات دولت»، و «بروزرسانی و بهبود مدل‌ها به سمت اعتماد بیشتر سرمایه‌گذاران» است که انشاءالله باید دغدغه جدی مدیران انرژی دولت چهاردهم قرار گیرد.

به صورت خلاصه، تغییراتی که منجر به عدم اعتماد بخش خصوصی سرمایه‌گذار شود، مسیر دشوار ایجادشده را که یک سرمایه ملی محسوب می‌شود، با فروپاشی مواجه خواهد ساخت؛ در حالی که صیانت از مدل‌های متنوع کم‌نظیر ایجادشده و قوام و تقویت آنها، موجب خوش‌عهدی دولت و اعتماد سرمایه‌گذاران، اجرای تدریجی پروژه‌ها و کمک به رفع ناترازی انرژی و منافع ملی ناشی از آن، همچنین، نشان‌دارشدن موفقیت‌های این عرصه برای دولت چهاردهم خواهد بود. مسعود رضائی، کارشناس حوزه انرژی